

خداحافظی سارکوزی با فرانسه آرام

«پارلمان محافظه کار در فرانسه دیگر وجود خارجی ندارد. سوسیالیست ها، کمونیست ها، سبزها و دیگر احزاب چپ با راهیابی به سنای فرانسه دژ مستحکم محافظه کاران را به تسخیر درآورده اند.



جام جم آنلاین: #171؛ پارلمان محافظه کار در فرانسه دیگر وجود خارجی ندارد. سوسیالیست ها، کمونیست ها، سبزها و دیگر احزاب چپ با راهیابی به سنای فرانسه دژ مستحکم محافظه کاران را به تسخیر درآورده اند. نتیجه انتخابات پارلمانی اخیر فراتر از یک دگرگونی بنیادین و سیلی محکمی به صورت رئیس جمهور فرانسه است. سارکوزی و هم حزبی هایش در UMP دیگر "فرانسه آرام" را پشت سر خود نمی بینند؛

به گزارش ایسنا، اشتفان اولریش، تحلیلگر روزنامه آلمانی زودوویچه سایتونگ در تحلیلی درباره پیروزی چپ ها در انتخابات سنای فرانسه نوشته است: #171؛ فرانسه ای وجود دارد که از امپراتوری درخشان و شلوغی جهانی کلانشهر پاریس فاصله فراوانی دارد. سرزمین میدان های چناری و آبراهه های آرام، برج های بلند و برافراشته کلیساها و قصرهای کوچک محلی و سرانجام خانه های روستایی، گلدان های پر از گل، دسته اردک ها و ... که همگی یادآور جشن های تمام ناشدنی تابستانی و خاطره های به یادماندنی هستند. شارل ترنه، خواننده فرانسوی در ترانه ای با عنوان la douce France (فرانسه آرام) از آسودگی خیال این مردمان می خواند و از زیر پا گذاشته شدن خواب و خیال های پرادها ترین پاریس نشینان!

این فرانسه روستایی با همه دگرگونی ها سخت "محافظه کار" باقیمانده بود. سنای فرانسه نیز از نظر سیاسی نمونه کامل این رویکرد و نگرش بود؛ پارلمانی که بیش از نیم قرن اکثریت راست را در درون خود جای داده بود. حتی اگر سوسیالیست ها "فرانسوا میتران" را به عنوان رئیس جمهور در راس قدرت داشتند و یا در انتخابات مجلس ملی پیروز کارزار انتخاباتی بودند، سنا همچنان در قبضه محافظه کاران بود؛ روندی که باعث می شد حق انتخاب و تعیین سرنوشت در دست آنها بماند. فرانسه استانی بیشترین حق رای را از آن خود داشت و آنها هم تعیین کننده سناتورها بودند. سوسیالیست ها نیز این حق را می یافتند تا همواره از "نابهنجاری دموکراتیک" گلایه کنند.

اکنون ولی دیگر از این سنای محافظه کار خبری نیست. سوسیالیست ها، کمونیست ها، سبزها و دیگر احزاب چپ در انتخابات یکشنبه سنای جمهوری فرانسه دست بالا را گرفته و پیروز نهایی خوانده شدند. آنها این فرصت را هم دارند تا در یکشنبه پیش رو رئیس سنا را هم از میان خود برگزینند که مرد شماره دو قدرت در این کشور شمرده می شود. این همه، فراتر از دگرگونی بزرگ در Palais du Luxembourg (پاله دو لوگزامبورگ) سنای فرانسه به شمار می آید. نتایج انتخابات نشان می دهد، فرانسه به شکلی دراماتیک دستخوش دگرگونی است: رئیس جمهور سارکوزی و همکارانش در حزب "همبستگی برای جنبش مردمی فرانسه" UMP آن "فرانسه آرام" را از دست داده اند.

بدیهی است شکست، پدران و دلایل فراوانی داشته باشد و سیاستمداران محلی از این اصلاحات منطقه ای که دولت را از کنترلشان درآورده و همچنین از بحران مالی و اقتصادی که به ناخرسندی همگانی از حاکمان پاریس دامن می زند، از کوره به در بروند. گناه همه این ناکامی ها به نام هیچکس جز "آقای رئیس جمهور" نوشته نخواهد شد. نیکلا سارکوزی را علت اصلی شکست بزرگ انتخاباتی محافظه کاران برمی شمرد. وی که از سال 2007 روی کار آمده در این سال ها شاهد شکست هایی در انتخابات پارلمانی، محلی و ... بوده که گاهی هم این ناکامی بسیار بزرگ بوده است. حال وی و حزبش در سنای جدید و چپ نیز به شکستی تلخ تن خواهند داد. شگفتی یکشنبه گرایش همگانی مردم فرانسه از راست به چپ بود؛ آن هم در سراسر این سرزمین!

سارکوزی اکنون تمام تلاش خود را در عرصه بین المللی به کار خواهد بست و دوست خواهد داشت لیبی را آزاد کند یا در خاورمیانه نقشی تعیین کننده و تاثیرگذار داشته باشد و همراه با "آنگلا مرکل" یورو را از نابودی نجات دهد. این همه به جبران ناکامی های وی در داخل مرزهای فرانسه به شمار می آید و از قرار معلوم دیگر سودی برایش ندارد و فرانسویان از رئیس جمهورشان رویگردان شده اند. بعید هم به نظر می رسد آنها تا انتخابات ریاست جمهوری سال 2012 دگرگون شده و بار دیگر به سارکوزی رو کنند.

چپ ها مخالف کاهش بدهی ها

مرد کاخ الیزه باید از خود بپرسد با همه سرمایه سیاسی اش که در سال 2007 در اختیار خود داشت، چه کرد. سارکوزی در آن سال نه تنها در انتخابات ریاست جمهوری برنده شد که در مجلس عوام و سنا نیز اکثریت را پشت سر خود می دید. وعده مدرن شدن فرانسه امید فراوانی را در دل ها به بار آورده و همزمان در پیوند با چپ ها و سبزها کابینه اش را برپا کرده و رقیبانش را در موقعیت ضعف قرار داده بود. سارکوزی به نظر از بهترین چشم انداز برای تبدیل شدن به بزرگترین رئیس جمهور تاریخ کشورش برخوردار بود. اکنون همه

چیز به شکل دیگری وارونه شده و در کتاب‌های تاریخ خواهند نوشت: "سارکوزی سنا را به چپ‌ها واگذار کرد."

قانون‌های نوشته شده در سنا تاخیر پذیرند ولی اجرانشدنی، نه. از دست دادن سنا از نظر نمادین هم بسیار سنگین بوده و اردوگاه محافظه‌کار- لیبرال سارکوزی به نظر فرو پاشیده است. نمایندگان مجلس عوام اکنون هراس دارند از راهیابی دوباره به پارلمان بازمانند. حزب حاکم هم رفته رفته به رئیس‌جمهورش تردید پیدا می‌کند. در مقابل چپ‌ها در مبارزه‌های انتخاباتی ریاست جمهوری از توانی دوچندان برخوردار شده و می‌توانند سوسیالیستی را روانه کاخ الیزه کنند.

نتیجه عملی انتخابات سنا آن است که سارکوزی باید از برنامه‌هایش دست بکشد و از ایجاد دگرگونی در قانون اساسی با هدف کاهش بدهی‌ها دست بر دارد. سناي از این پس "سرخ" دیگر با او همراه نیست و چپ‌ها از این پس ساز مخالف را برای وی و طرح‌هایش کوك خواهند کرد. این فرآیند حتی آینده یورو را نیز به چالش خواهد کشید؛ زیرا روشن نیست جانشین احتمالا چپ سارکوزی حاضر باشد راه او را پیموده و به سیاست‌های نه چندان مردمی شهردار سابق پاریس پایبند باشد.

از روند کنونی این‌گونه بر می‌آید که سوسیالیست‌ها بهار آینده در انتخابات ریاست جمهوری برنده خواهند بود و درهای مجلس عوام نیز به روی نمایندگان آنها باز خواهد بود. آنها به این ترتیب قدرت فراگیر در این کشور شده و از فرانسه دوران میتران هم فراتر خواهند رفت.

سرنوشت سارکوزی باید سرمشق چپ‌ها باشد زیرا فرانسویان نشان داده‌اند با شتابی برق‌آسا رنگ عوض می‌کنند تا "فرانسه آرام" همچنان محافظه کار بماند. »